

تأثیر نقش وکلا در گسترش مذهب تشیع

فریبا بلوچی^۱ فریده بلوچی^۲

چکیده:

یکی از شیوه‌های مؤثر که در میان امام به صورت گسترده رواج داشت و به نوعی با این شیوه با محبان و دوستداران خود ارتباط برقرار می‌کردند شیوه وکالت یا وکیل بود. به دلیل رواج دوره خفقان در عصر اموی و عباسی امامان امکان ارتباط چهره به چهره با طرفداران خود را نداشتند. کسانی که به عنوان وکیل یا نایب امام انتخاب می‌شدند بیشتر به امور تجارت مشغول بودند زیرا عمال دولتی کمترین شک را به آنان داشتند و به راحتی پیام‌های امام را به محبان می‌رساندند. وکلای امام در نقاطی همچون، مصر، یمن، عراق، ایران مشغول به فعالیت بودند و علاوه بر آنکه پیام‌های سیاسی امام را می‌رساندند وظیفه داشتند که به سؤالات شرعی مردم نیز پاسخ دهند. و وجوه‌های شرعی مردم از جمله خمس و زکات را جمع آوری می‌کردند و به امام تحویل می‌دادند. در این پژوهش سعی شده است که باتوجه به منابع موجود و به روش کتابخانه‌ای به نقش وکلا در گسترش مذهب تشیع پرداخته شود.

کلید واژه: نهاد وکالت، سازمان وکالت، تقیه، گسترش تشیع

مقدمه:

در این پژوهش به مطالعه سازمان وکالت امامیه که بنیان رونق بخشی و رهبری آن را ائمه (ع) عهده‌دار بودند می‌پردازیم از جمله فواید مهم این بررسی، شناخت بهتر سیره امامان، اقدامات و الگوهای رفتاری حیات سیاسی-اجتماعی آنان، و اینکه در چارچوب سازمان وکالت، ائمه و کارگزاران، آنان و تأثیر مهمی در روند نشر تشیع در نواحی مختلف قلمرو اسلام داشتند. با تشکیل سازمان وکالت در اواسط قرن دوم هجری از سوی امامان شیعه به منظور سامان‌دهی شیعیان در امور مختلف، تشکیلات کارآمدی پدید آمد که توانست نیروی درونی شیعیان را متمرکز و عملاً به عنوان بازویی قدرتمند در مقابل حاکمیت قرار گیرد. نهاد «وکالت» مجموعه‌ای از فعالیت‌های هماهنگ وکلای امام با رهبری واحد [امام] بود که از زمان امام باقر و امام صادق علیهما السلام مطرح شد که هر کدام از آنها دارای وظایف مشخص و ویژگی‌های خاصی بود. بدون شک می‌توان عصر امام باقر و امام صادق علیهما السلام را آغازگر حرکتی نوین در تشکیلات جامعه شیعه دانست. در عصر این دو امام بزرگوار دعوت شیعی در اقصی نقاط جان مخصوصاً در عراق و حجاز و خراسان ریشه دوانیده و قشر وسیعی را به خود متوجه ساخته و حتی در دایره‌ای محدودتر به صورت یک پیوند فکری و عملی که می‌توان از آن به یک «تشکیلات حزبی» تعبیر کرد.

^۱ . دانش آموخته کارشناسی ارشد رشته تاریخ گرایش ایران دوره باستان دانشگاه سیستان و بلوچستان

^۲ . دانش آموخته کارشناسی ارشد علوم تربیتی گرایش مدیریت آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بافت

سؤال پژوهش حاضر این است که عوامل و زمینه شکل گیری سازمان وکالت چه بوده است؟ مسئله اساسی در این پژوهش، روند شکل گیری سازمان وکالت است.

پیشینه تحقیق:

در مورد موضوع حاضر تاکنون به صورت ویژه و منحصر به فرد کار علمی و پژوهشی صورت نگرفته، اما با این حال نوشتارهایی وجود دارد که به صورت گذرا به مبحث وکلا و شیوه های تبلیغ آنان پرداخته که می توان از جمله این نوشتارها به مواردی همچون کتاب سازمان وکالت و نقش آن در عصر ائمه نوشته محمدرضا جباری، نویسنده در این کتاب به شیوه ای علمی و مستند به بررسی موضوع وکالت در عصر ائمه پرداخته، کتابی دیگر تحت عنوان سیره پیشوایان نوشته مهدی پیشوایی نیز به موضوع وکلا پرداخته است. علاوه بر کتب فوق دو مقاله تحت عنوان بررسی تطبیقی سازمان وکالت امامیه و سازمان دعوت عباسیان نوشته محمدرضا جباری و محمد کاظم ملبویی و مقاله بررسی ساختار سازمان وکالت در عصر امام هادی (ع) و کارکردهای آن نوشته لاله مقدم به سازمان وکلا توجه شده است.

سازمان وکالت چیست؟

معنای لغوی و اصطلاحی وکالت:

«وکالت» در لغت به معنای ناتوانی از انجام مستقیم یک کار، و اعتماد بر دیگری در آن کار است. در کتب فقهی وکالت به تولیت غیر در امضا و نیابت در تصرف و تفویض امر به غیر معنا شده است.

فعالیت این سازمان هیچ گاه متوقف نگردید؛ هر چند متناسب با مقتضیات زمان، فعالیت آن با فرازونشیب هایی همراه بوده است در اینکه کدام یک از امامان شیعه (ع) مؤسس این سازمان بوده است، بین نویسندگان معاصر اختلاف است برخی امام صادق (ع) و برخی دیگر امام کاظم (ع) مؤسس این سازمان می دانند. سازمان وکالت تشکیلاتی سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی منظم و گسترده ای بود که تقریباً همزمان با روی کار آمدن بنی عباس (۱۳۲ ق) تأسیس گردید، وکالت به مفهوم لغوی آن حتی در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله نیز وجود داشت؛ چنان که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله کسانی را مأمور جمع آوری زکات می کرد که این خود نوعی وکالت از طرف پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بود. سازمان وکالت، مرحله جدیدی از حیات مکتب تشیع و جامعه شیعه بود؛ اینک تلاش ها، مجاهدت ها، امامان اهل بیت علیهم السلام و یاران مخلصشان طی چندین دهه به نتیجه رسید و نه تنها مکتب تشیع به خوبی شکل گرفت بلکه و در سراسر جهان اسلامی جویندگان استواری پیدا کرده بود. شرایط فوق وجود چنین شبکه ارتباطی وسیعی را مستلزم می نمود؛ این سازمان شبکه ای ارتباطی شامل از امام و اصحاب شاخص ایشان بوده که در اقصی نقاط مناطق اسلامی گسترش داشتند. با توسعه جغرافیایی اسلام و فتوحات صورت گرفته نیاز بود گونه ای از ارتباط و پیوستگی میان امام و شیعیان در نقاط گوناگون وجود داشته باشد. این مسئله از اهمیت بسیاری برخوردار بود از جمله:

۱: امام فاقد پایگاه در حکومت بوده در نتیجه ارتباطی سازمانی و رسمی با دیگر نقاط نداشتند.

۲: عمده شیعیان و محبین اهل بیت نه در مکه و مدینه، بلکه در یمن، کوفه و ایران حضور داشتند.

موضوعات ذکر شده از جمله عواملی هستند که لزوم ارتباط مستمر امام با شیعیان را مهم می‌ساخت. اما نکته دیگر در این زمینه آن است که شخص امام به دلیل محدودیت‌های سیاسی و گستردگی و حضور شیعیان در نقاط جغرافیایی ارتباط مستقیم را از دست داده بودند از همین رو امام صادق (ع) به منظور راهبری شیعه سازمان وکالت را تشکیل دادند.

سیر آغاز مراحل سازمان وکالت:

۱- مرحله اول: پرورش سازمان: این مرحله از زمان امام صادق (ع) و در خلال سال‌های ۱۲۵-۱۳۷ ق تأسیس شد و رفته رفته دارای نظم و گستردگی بیشتری شد.

۲- مرحله دوم: گسترش فعالیت سازمان: این مرحله از زمان امام کاظم (ع) آغاز شد تا پایان دوره امامت امام جواد (ع) ادامه یافت. (مسعودی، ۱۹۵۵: ۲۱۲)

۳- مرحله سوم: کامل شدن سازمان: در دوران امام هادی و امام حسن عسکری علیهما السلام به دلیل فشار خلفای عباسی بر ائمه و خفقان سیاسی حاکم بر جامعه فعالیت نهاد وکالت فزونی یافت نظام جامعه شیعی را سامان بخشید و فرهنگ شیعه و شیعیان را برای ورود به دوره غیبت کبرا آماده کرد و این دو امام بزرگوار نیز به همین دلیل با تقویت نهاد وکالت، ارتباط خود با شیعیان را حفظ نمودند در عصر عسکری و سپس دوران موسوم به غیبت صغری به اوج گسترش و انسجام رسید. وکلای آن عصر در این زمان در هدایت عمومی شیعیان و رهنمون ایشان به امام غایب بسیار مؤثر بودند (مجلسی، ۱۳۷۶: ج ۵۱، ص ۳۰۰)

۴- مرحله چهارم: اوج فعالیت: اوج فعالیت سازمان وکالت در عصر غیبت صغرا (۲۵۵-۳۲۹ ق) است. در این مرحله، به علت عدم حضور امام دوازدهم (عج)، نواب چهارگانه در رأس سازمان قرار گرفته و واسطه بین امام (ع) و سایر وکلا بودند.

۵- مرحله پنجم: اتمام کار سازمان: اما با فرارسیدن عصر غیبت کبری و وفات علی بن محمد سمری، آخرین سفیر امام عصر (عج) در سال ۳۲۹ هجری قمری منحل شد، به طوری که امام تصریح کرده بودند که با شروع غیبت کبرا دیگر هیچ ارتباط حضوری بین امام و شیعیان صورت نخواهد گرفت و کسی که چنین ادعایی کند دروغ گو خواهد بود (طوسی، ۱۳۸۷، ص ۶۸۴) و این پایانی بر فعالیت‌های سازمان وکالت بود. از این مرحله به بعد، شیعه آرام آرام شروع به مراجعه به راویان حدیث و سپس فقها، جهت انجام امپیر شرعی و دینی خود نمود.

فعالیت تشکیلات وکالت در عصر ائمه:

پس از آن که پیروان مکتب اهل بیت (ع) به ویژه بر اثر تلاش های امام باقر (ع) متشکل شدند و هویت فکری و مکتبی آنان قوام پیدا کرد، این تشکل فکری در عصر امام ششم با تربیت روزافزون نیروی مؤمن و مکتبی و همچنین بسط فقه، ساختار مذهبی مستقلی یافت و امام صادق (ع) به عنوان مؤسس فقه جعفری مطرح شدند. دوران امام باقر (ع) که فضا کمی بازتر شد و برخی محدودیت‌ها در دوره انتقال حکومت از بنی‌امیه به بنی‌عباس از بین رفت حضرت به کار

تربیت و پرورش شاگردان پرداختند که این شاگردان با رفتن به مناطق مختلف جهان اسلام به کار تبلیغ و تربیت دینی مردم پرداختند. و عهده‌دار وکالت و نیابت امام در هر منطقه‌ای شدند که بعدها با اتصال این وکلا نسبت به هم سازمان وکالت شکل گرفت کار این وکلا، ارتباط پیوسته با شیعیان و تعیین وظایف آنان بود. آنان مخفیانه خدمت امام می‌رسیدند و پیام امام را به مردم می‌رساندند. تشکیل این نظام ارتباطی، مانع از هم پاشیدگی شیعیان در این دوره گردید. که در دوره امام‌صادق (ع) و امام کاظم (ع) نیز ادامه پیدا کرد. امام‌صادق (ع) تشکیلات عظیمی از مؤمنان خود از طرفداران جریان حکومت علوی در سراسر عالم اسلام از اقاصا خراسان و ماوراءالنهر تا شمال آفریقا به وجود آورده بود. تشکیلات یعنی چه؟ یعنی اینکه وقتی امام‌صادق (ع) اراده می‌کند آنچه را که او می‌خواهد بدانند. تأسیس نهاد وکالت به صورت یک سازمان و تشکیلات منسجم، به دست امام‌صادق (ع) صورت گرفت. شیخ طوسی از افرادی مانند حمران بن اعین، مفضل بن عمر، معلی بن خنیس، ابن قاموس لخمی به عنوان وکلاء امام‌صادق (ع) نام می‌برد. (طوسی، ۱۳۸۷: ۳۴۶) نمایندگان او در سراسر آفاق عالم اسلام به مردم می‌گویند تا بدانند. یعنی از همه جا وجوه و بودجه برای اداره مبارزه سیاسی عظیم آل علی جمع کنند. یعنی وکلا و نمایندگان او در همه‌ی شهرها باشند که پیروان امام‌صادق (ع) به آنها مراجعه کنند و تکلیف دینی و همچنین تکلیف سیاسی خود را از آن حضرت بپرسند. پس از امام‌صادق (ع) دیگر ائمه (ع) نیز روش ایشان را ادامه دادند. و به تربیت شیعیان و حل مشکلات آنان پرداختند. سازمان وکالت یکی از ابزارهای ائمه (ع) برای این منظور بود. این سازمان، شبکه وسیعی از نمایندگان را در سراسر جامعه اسلامی تشکیل داد. (جباری، ۱۳۸۲: ۱۷۵) در عصر امام کاظم علیه السلام در زمان امام کاظم (ع)، این شبکه گسترش یافت ایشان توسط هارون، خلیفه عباسی، محبوس و محدود شد و ارتباط مستقیم ایشان با شیعیان کاهش یافت، آن حضرت به تقویت و گسترش نهاد وکالت اهتمام ورزید و با تعیین وکلای متعدد در نقاط گوناگون، عدم امکان ارتباط مستقیم شیعه را با خود تا حد زیادی جبران کرد. امام‌رضا (ع) در شرایط نابسامانی به رهبری این نهاد رسیدند؛ زیرا شماری از وکلای سرشناس پس از شهادت امام کاظم (ع) لغزیدند، ولی امام‌رضا (ع) با تلاش زیاد برخی از آنها را به راه مستقیم امامت برگردانیدند و طی بیست سال تلاش (۲۰۲-۱۸۳ ق.) موفق شدند پیروان اهل بیت (ع) را یکپارچه کنند و نهاد وکالت را تا درون دستگاه حکومت گسترش دهند. در دوران امام‌رضا و امام جواد علیهما السلام نیز فعالیت نهاد وکالت همچنان تداوم یافت. در دوران امام جواد علیه السلام نهاد وکالت در عصر امام جواد (ع) نیز از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بود. وکلایی مانند عبدالرحمن بن حجاج، صفوان بن یحیی، یونس بن عبدالرحمن و... در تثبیت و شناسایی امامت امام جواد (ع) نقش مهمی را ایفا کردند. کارگزاران و وکلای امام در بسیاری از ولایات فعالیت داشتند. در چند سال آخر امامت ایشان، تشکیلات و فعالیت‌های وکلای امام توسعه یافتند. در عصر امام جواد (ع)، هر چند این سازمان با مشکلاتی مواجه شد، ولی نواحی تحت پوشش وکلا و محدوده اقتدار آنان با تشدید فعالیت‌ها گسترش می‌یافت. وکلای آن حضرت در مناطقی مانند: مدینه، مصر، کوفه، بغداد و برخی از نقاط ایران مانند: قم و همدان به فعالیت مشغول بودند. آن حضرت، با وجود فشارهای موجود، توانست تشکیلاتی را که جد بزرگوارش تأسیس کرده بود، نه تنها حفظ کند بلکه آن را گسترش دهد. (مجلسی، ج ۵۰، ۱۴۰۳: ۴۵-۴۴). با شهادت امام جواد (ع) (۲۲۰ ق) و آغاز دوره سی و چهارساله امامت علی النقی (ع) (۲۵۴-۲۲۰ ق) نهاد وکالت نیز مرحله دیگری از رشد و بلوغ خود را طی کرد. پس از شهادت امام جواد

علیه‌السلام در سال ۲۲۰ ق، وکلای برجسته جلسه‌ای سرّی در منزل محمّد بن فرج تشکیل دادند تا امام هادی علیه‌السلام را به‌عنوان امام جدید معرفی کنند؛ زیرا در این زمان، به‌علت نبودن تماس مستقیم بین امام و شیعیان، نقش سیاسی و مذهبی نهاد وکالت افزایش یافت و به‌تدریج، تنها مرجعی گردید که می‌توانست حقانیت امام جدید را تعیین و ثابت کند. این سازمان ارتباطی در عین کارآمد بودن و رفع حوائج و خواسته‌های شیعیان، از دید دشمنان و به‌خصوص دستگاه خلافت مخفی می‌ماند. با توجه به شرایط امنیتی و پلیسی حاکم علیه امامین عسکریین (ع) این تشکیلات دوران اوج فعالیت و گستردگی خود را گذراند. اهداف امام هادی (ع) در بسط و گسترش سازمان وکالت، بسترسازی فرهنگ انتظار، رفع چالش‌های فرهنگی و اعتقادی جامعه، رسیدگی به وضعیت شیعیان و ارتباط با آنان و ایجاد پویایی در بین شیعیان در عصر اختناق بود. پختگی این سازمان در زمان امام هادی (ع) به اوج خود می‌رسد. از جمله وکلای آن امام، علی بن مهزیار و ابراهیم بن محمّد همدانی بودند. در این دوران، متوکّل به بازداشت و دست‌گیری شیعه امامیه دست زد. برخی از وکلای امام هادی علیه‌السلام در بغداد، مدائن، کوفه و سواد، زیر شکنجه به شهادت رسیدند و عده‌ای دیگر نیز زندانی شدند. پس از شهادت امام هادی (ع) و به امامت منصوب شد. برای تبیین و گزارش فعالیت‌های تبلیغی امام حسن عسکری (ع) باید با این مقدمه مورد توجه قرار بگیرد که مراقبت‌ها، کنترل‌ها و فشارهای شدیدی از سمت حکومت عباسی نسبت به امام حسن عسکری (ع) به وجود آمده بود. سه خلیفه عباسی که با ایشان هم‌زمان بودند معتمد، معتضد و مهتدی هر کدام از این‌ها سختگیری‌ها و کنترل‌های فوق‌العاده‌ای برای حضرت داشتند، لذا حضرت در چنین شرایطی فعالیت‌های خودشان را در چند محور تنظیم و سازمان‌دهی کردند. یکی از محور فعالیت‌های ایشان فعالیت‌های علمی بود که باید از آن به جهاد علمی امام حسن عسکری (ع) یاد کنیم چرا که ایشان با همه محدودیت‌های شدید حکومت عباسی، دست از کار علمی و تربیت شاگردان برنداشتند. در همان خفقان و فشار شدید، حضرت به‌سمت تربیت شاگردانی رفتند که هر کدام از آن‌ها سهم مؤثری در گسترش معارف دینی و پاسخ‌گویی و تقابل با هجمه و شبهات دشمنان را عهده‌دار بودند. امام حسن عسکری (ع)، نظام وکالت همچنان به فعالیت خود ادامه داد به گواهی اسناد و شواهد تاریخی، امام (ع) نمایندگانی را از میان چهره‌های درخشان و برجسته شیعیان انتخاب و در مناطق متعدد منصوب کردند. این نهاد ارزشمند در زمان امام حسن عسکری به اوج رسید. در آن زمان در مواردی خود امام به مردم سفارش می‌کردند به وکلا مراجعه کنند. پس از شهادت امام عسکری (ع) (۲۶۰ ق) و در آستانه غیبت صغری عثمان بن سعید عمری عهده‌دار مسئولیت انحصاری نظام وکالت به‌عنوان سفیر امام دوازدهم (ع) شد. [۱۰] با فرارسیدن عصر غیبت کبرا و وفات علی بن محمد سمری آخرین سفیر امام عصر (عج) (۳۲۹ ق.) شبکه وکالت منحل و وظایف آن به فقهای جامع الشرایط واگذار شد. (لطیفی، ۱۳۹۲: ۳۲)

اصول سازمان وکالت امامیه:

انتخاب اعضا توسط شخص امام:

مجموعه نهاد وکالت تحت رهبری امام معصوم علیه‌السلام اداره می‌شد. بر اساس اسناد و مدارک، کارها و شئون رهبری نهاد را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

الف: تعیین وکلای نواحی؛

ب: تبیین وظایف عادی و وظایف ویژه و فوق العاده آنان؛

ج: بررسی عملکرد وکلا و ارائه رهنمودهای لازم؛

د: رد اتهامات وارد بر وکلای درستکار؛

ه: عزل وکلای فاسد و خائن؛

و: معرفی شخصیت وکلا به شیعیان؛

اهمیت سازمان وکالت در حفظ موقعیت شیعیان ائمه را بر آن داشت که با دقت و حساسیت بیش‌تری وکلا سازمان وکالت را انتخاب نمایند. (پیشوایی، ۱۳۷۹: ۵۷۳) از جمله شرایط مهم انتخاب وکیل توسط امام، داشتن ویژگی‌هایی همانند عدالت، وثاقت، رازداری، نظم، دقت، کاردانی و احتیاط بود و آنان را متناسب با هر منطقه و معمولاً بر اساس بومی بودن انتخاب می‌کردند. (طوسی، ۱۴۱۷: ۱۷۷) هم‌چنین ائمه به‌جای وکلایی که از دنیا می‌رفتند و یا در مواردی اعتماد امام را از دست می‌دادند، وکلای دیگری برمی‌گزیدند. جایگاه وکیلان و کارگزاران نهاد وکالت در میان مردم به‌عنوان حلقه وصل امام و مردم، اقتضا می‌کرد که آنان از ویژگی‌هایی فراتر از دیگران برخوردار باشند؛ ویژگی‌هایی همچون: عدالت و وثاقت، مدیریت، رازداری و پنهان‌کاری، وجاهت اجتماعی، اعتقاد به کار تشکیلاتی، کاردانی، نظم و انضباط، احتیاط، علم، قداست، ورع و تقوا و... از لوازم کارگزاران نهاد وکالت بوده است. هر سازمانی متناسب با اهداف، عملکرد و سیاست کلی حاکم بر آن از قوانین خاصی پیروی می‌کند. نهاد وکالت نیز از این امر استثنا نبود. عمده این ضوابط عبارت بود از نظم و انضباط، رعایت مسائل امنیتی و ضوابط مربوط به عضویت، که به بررسی این موارد می‌پردازیم:

الف) نظم و انضباط:

اولین و مهم‌ترین ویژگی وکیلان کل و جزء ناحیه مقدسه، تدبیر، کاردانی و مدیریت شیعیان در فضای خفقان آلوده سیاسی حاکم بر جامعه اسلامی بود. انضباط شخصی و تشکیلاتی در این مجموعه، نیاز اولیه و بسیار مهم بود. شبکه وکالت از نظم فوق العاده‌ای برخوردار بود. حدود وظایف هر وکیل و قلمرو جغرافیایی آن مشخص بود. برخی از وکلا عهده‌دار سرپرستی موقوفات ناحیه مقدسه بودند و برخی مسئول جمع‌آوری وجوه شرعی (خمس، نذورات، زکات، هدایا) و بعضی مأمور کمک‌رسانی به نیازمندان، برخی دیگر مسئول ابلاغ پیام‌ها و توقیعات ائمه علیهم‌السلام و... در رابطه با هر یک از این وظایف، قلمرو وکلا نیز مشخص بود و به این ترتیب از تداخل حوزه کاری وکلا و برخورد ایشان با یکدیگر جلوگیری می‌شد.

۱- سلسله مراتب:

ساختار شبکه و کالت به این نحو بود که امام معصوم (ع) در جایگاه رهبری سازمان قرار داشتند و وکلای برجسته یا سر وکیل بر عملکرد وکلای نواحی مختلف نظارت می‌کردند. هر منطقه یا ناحیه به تناسب تعداد شیعیان، وکیل داشت و گاه منطقه‌ای به چند ناحیه تقسیم می‌شد و هر ناحیه به‌طور مجزا دارای یک وکیل بود. در ذیل، به نمونه‌هایی که بیانگر وجود چنین سلسله مراتبی در این سازمان است، اشاره می‌کنیم:

علی بن یقطین وکیل امام کاظم (علیه‌السلام) در بغداد و عامل نفوذی در دستگاه حکومتی بنی‌عباس.

امام حسن عسکری (علیه‌السلام) عثمان بن سعید عمری را به‌عنوان وکیل خود به شیعیان یمن معرفی نمودند.

از حسن بن هارون همدانی به‌عنوان وکیل ارشد در همدان و علی بن حسین در عصر امام هادی (علیه‌السلام) وکیل ارشد در عراق نام برده شده‌است.

در عصر غیبت صغری، از محمد بن احمد مروزی به‌عنوان وکیل ناحیه مقدسه در مدینه نام برده شده‌است.

عبدالرحمان بن حجاج از وکلای ممدوح امام صادق (علیه‌السلام) و نیز منصوب از سوی امام کاظم (علیه‌السلام) در عراق به‌عنوان سر وکیل؛

۲- ارتباط مکاتبه‌ای:

سازماندهی شبکه ارتباطی مکاتبه‌ای میان رهبری سازمان و کالت و وکلا و عموم شیعیان، جلوه دیگری از حاکمیت اصل نظم و انضباط بر این تشکیلات است. وظیفه این شبکه اطلاع رسانی بوده است؛ چه به‌صورت ابلاغ پیام‌های امام علیه‌السلام به شیعیان و چه به‌صورت رساندن نامه‌ها و اخبار شیعیان به امام علیه‌السلام.

(ب) پنهان‌کاری (تقیّه):

یکی از روش‌های عقلایی رایج در میان ملل و نحل، «تقیّه» است. این شیوه که به معنی خودداری از افتادن به دام خطر و مهلکه می‌باشد. «تقیّه» از مهم‌ترین عواملی است که باعث شد شیعیان در طول تاریخ خونبار خود به حفظ مکتب و عقایدشان پرداخته و آن را به‌دست ما برسانند. (مجلسی، ج ۵۷، ۱۴۰۴: ۴۳۱) محدوده تاریخی تقیه در زمان معصومان علیه‌السلام، از ابتدای بعثت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم تا پایان غیبت صغری می‌باشد و به چهار دسته تقیه سیاسی، تقیه اجتماعی، تقیه فقهی، تقیه کلامی تقسیم می‌شود. افزایش جمعیت شیعه و رفت و آمد هیئت‌های نمایندگی مردم، و اموال و دارایی فراوانی که به امامان می‌رسید، موجب می‌شد که خلفا نسبت به امامان سخت‌گیری نمایند. در چنین شرایطی رعایت اصل اختفا و تقیه امری حیاتی بود؛ و هم در این اوضاع و احوال بود که ائمه رعایت تقیه را مورد تأکید قرار می‌دادند و کسانی که این اصل را مراعات نمی‌کردند از جرگه یاران خود خارج می‌شمردند. لذا ائمه معصومین (ع) به پنهان‌کاری و کتمان و تقیه دست می‌زدند. سخت‌گیری‌ها و فشارها در زمان امام عسکری (ع) بیشتر شد و ایشان با مشاهده این وضعیت، تقیه را پیشه خود قرار داده‌بود. شدت تقیه و کتمان امور به

اندازه‌ای بود که امام به شیعیان خود دستور دادند که وقتی به طرف کاخ خلیفه می‌رود، به آن حضرت اشاره نکنند، سلام نکنند؛ زیرا تحت تعقیب قرار می‌گرفتند و موجب حبس و کشتنشان می‌شد.

ج) اطاعت محض از امام:

نقش محوری ائمه در رأس سازمان وکالت و تداوم پویایی و گسترش تدریجی آن، حاکی از اطاعت محض وکلا و اعتقاد آنان به امام بود. بر این اساس، در چارچوب اهداف سازمان، نظم و هماهنگی و عدم انحراف جاری بود. ائمه برای حفظ موقعیت سازمان، همواره وکلا و پیروان را به اطاعت از امام خویش و حفظ سیاست‌ها، اهداف و برنامه‌های سازمان فرا می‌خواندند.

د) د برخورداری از عدالت: جایگاه وکالت امام، جایگاهی مهم و حساس است و وکلا افرادی بودند که مورد اعتماد امام و امت بودند. بدیهی است که برای چنین موقعیتی، صفت تقوا و عدالت، ضرورت دارد و وکیل باید انسانی مؤمن، مؤدب به آداب الهی و متعلق به اخلاق اسلامی باشد.

ه) برخورداری از ویژگی امانت‌داری: از آنجا که وکیل امام نماینده آن حضرت در میان مردم و واسطه میان ایشان و امام بود، بایستی انسانی امین و درستکاری می‌بود؛ زیرا تنها در این صورت بود که مورد اعتماد و اطمینان پیروان امام قرار می‌گرفت.

حوزه فعالیت سازمان وکالت شیعیان در زمان امامان معصوم (ع):

حضور و فعالیت نهاد وکالت تابع نحوه پراکندگی جمعیت شیعه در جهان اسلام بود. از آنجا که شیعیان به‌ویژه پس از زمان حیات امام صادق (ع) به تدریج در سراسر جهان اسلام پراکنده شده بودند، حوزه فعالیت این نهاد مناطقی مانند خراسان بزرگ، سیستان، آذربایجان و آران، ری، قم، اصفهان، همدان، کرمانشاهان، اهواز، عراق عرب (کوفه، بصره، واسط، بغداد، سامرا، مداین و...)، حجاز، یمن و مصر را در برمی‌گرفت. هر ناحیه به یک وکیل مستقل یا وکیل ارشد واگذار می‌شد و کارگزاران و وکلای محلی تحت نظر وکیل ارشد منصوب می‌شدند. (دشتی، ۱۳۸۴: ۱۰۲) به لحاظ تشکیلاتی سازمان به صورت زیر استقرار یافته است:

۱- مرکز رهبری: مرکز فرماندهی سازمان از زمان امام صادق (ع) تا امام هادی (ع) در مدینه بود و سپس به اجبار خلفای عباسی به بغداد و سامرا منتقل شد. امامان در زمان حضور در عراق و مرو نیز فرمان‌های خود را به مدینه می‌فرستادند و دستورات را از آنجا به دیگر مناطق ابلاغ می‌کردند. در زمان غیبت صغرا، نواب اربعه در بغداد مستقر بودند این امر با دلایلی نظیر مرکز تجاری بودن بغداد، به دستور امام دوازدهم به تحویل اموال قمی‌ها به فردی در بغداد و واق شدن قبور نواب در بغداد تایید می‌شود.

۲- وکلای ارشد در شهرهای اصلی مستقر بوده‌اند و محدوده بزرگی را تحت نظر داشتند.

۳- وکلای محلی که زیر مجموعه وکلای اصلی بودند، در نواحی مختلف بلاد اسلامی پراکنده و به صورت شبکه‌ای منظم از طریق وکلای ارشد به مرکزیت سازمان مرتبط بودند.

عوامل شکل‌گیری سازمان وکالت:

۱- لزوم ارتباط بین رهبر و پیروان و همچنین وجود جو سنگین نظامی و سیاسی:

در هر نظام دینی، سیاسی و اجتماعی، ارتباط بین رهبری و اعضای آن اجتناب‌ناپذیر است، یکی از عوامل اساسی ایجاد این نهاد لزوم ارتباط بین امامان معصوم و پیروان آن‌هاست. بنابراین کسانی از سوی ائمه، تعیین می‌شدند تا به‌عنوان وکلای آنان، با شیعیان ارتباط برقرار می‌کردند. (پور سید آقایی و همکاران، ۱۳۸۳: ۲۳۵) به‌ویژه در صورت گستردگی و پراکندگی شیعیان در نقاط گوناگون آن زمان، مثل عراق، حجاز، ایران، یمن، مصر و مغرب امکان سفر به مراکز سکونت امامان معصوم علیهم‌السلام میسر نبود. و همچنین پراکندگی مراکز تجمع شیعیان ضرورت تشکیل یک سازمان منظم ارتباطی بین شیعیان با حوزه امامت را روشن کرده بود. (حسین، ۱۳۶۷: ۱۳۶-۱۵۱). پیدایش سازمان وکالت همزمان با روی کار آمدن بنی‌عباس می‌تواند گویای این نکته باشد که تنگناها و فضای بسته‌ای که خلفای عباسی برای امامان شیعه به وجود آوردند، موجب شد ائمه اقدامات و تدابیر تازه‌ای برای برقراری ارتباط با پیروان خود بیابند. به‌طوری که عده‌ای از شیعیان در عصر هارون و متوکل عباسی به سبب تشیع و برخی از وکلا به جرم وکالت ائمه (ع) دستگیر، شکنجه و حتی عده‌ای از آنان به شهادت رسیدند (کشی، ۱۳۴۸: ۶۰۷).

۳- عدم دسترسی شیعیان به امام و همچنین زمینه سازی عصر غیبت:

در این دوره به سبب حبس، شهادت امامان از جمله امام کاظم (ع) مدت درخور توجهی در زندان به سر برد و از همان مکان به‌سختی شیعیان را اداره می‌کرد (مفید، ۱۳۸۹: ۳۰۵). وجود این عوامل سبب شکل‌گیری این سازمان در عصر امام صادق (ع) و بسط آن در زمان امام کاظم (ع) شد. این اقدام جدید، تأسیس سازمان وکالت به شیوه نظام زیرزمینی ارتباطات و تعیین کارگزاران در مناطق مختلف بود. در این هنگام ائمه در چنین شرایطی نمی‌توانستند به‌راحتی با شیعیان رابطه برقرار کنند و ایشان را به حضور بپذیرند. این جو رعب‌آوری که از سوی عباسیان به وجود آمده بود، موجب گشت تا رفت و آمدهای امامان با شیعیان تحت نظر باشد. در چنین وضعیتی، می‌بایست برای ارتباط میان ائمه اطهار (علیهم‌السلام) و پیروانشان افرادی به‌صورت غیر مستقیم به‌عنوان واسطه و وکیل، این خلأ را پر کنند. یکی از مهمترین کارکردهای نهاد وکالت در زمان امام عسکری (ع)، آماده سازی مردم برای شروع غیبت بود. اگر نهاد وکالت در دوره امام عسکری تقویت نشده بود، زمینه‌چینی برای غیبت نمی‌شد و شیعیان دچار شوک شدند؛ یکی از عواملی که سبب شد تا نهاد وکالت یا ناحیه مقدسه نهادینه شود، همین مقدمه‌چینی برای غیبت بود. در پیش‌بودن عصر غیبت و لزوم ایجاد آمادگی ذهنی و عملی در میان جامعه شیعه و انس و الفت دادن آنان با دوران غیبت یکی از علل شکل‌گیری سازمان وکالت، در عصر غیبت بوده است. از این رو، با نزدیک شدن به عصر غیبت، رابطه با امام محدودتر و از

طرف دیگر، سازمان وکالت تقویت می‌شود، تا آنجا که در عصر امام هادی و امام عسکری (علیهما السلام) بیشتر امور شیعیان از راه مکاتبه و از راه وکلا انجام می‌گرفت. (دشتی، ۱۳۸۴: ۱۰۲)

مهم‌ترین وظایف سازمان وکالت:

۱- جمع‌آوری وجوه شرعی و نقش رابط بین مناطق شیعه‌نشین:

یکی از مهم‌ترین وظایف سازمان وکالت برنامه‌ریزی و مدیریت امور مالی جامعه اسلامی بود، از وظایف اصلی سازمان وکالت، جمع‌آوری وجوه شرعی از مردم بوده است. جمع‌آوری سهم امام و سادات خمس و هدایا و نذورات و رساندن آن به دست امام و یا صرف آن در موارد تعیین‌شده از سوی امام و نیز اداره مستغلات موقوفه ائمه. دریافت وجوه، از مهم‌ترین نقش‌های وکلا بیان شده است. عباسیان برای تأمین امنیت حکومت خود، امام صادق (ع) و پیروانش را نظارت می‌کردند و حتی جمع‌آوری خمس به صورت پنهانی توسط پیروان ایشان را گامی برای آمادگی امام در براندازی حکومت خود تلقی می‌نمودند. (کلینی، ج ۱، ۱۳۸۸: ۲۰۴-۲۰۳) با افزایش شیعیان، نیازهای مالی به‌طور هم زمان افزایش می‌یافت. برای جمع‌آوری این منابع باید شبکه‌ای از نمایندگان تشکیل می‌شد تا این وجوه را از پیروان جمع‌آوری و به امام (ع) تحویل دهند، ضمن آنکه پس از آن نیز می‌بایست طبق دستورات امام به توزیع آن در جهت اهداف سازمان اقدام کنند. اهمیت این کار به حدی بود که گاه هدف از تأسیس سازمان وکالت را جمع‌آوری وجوه شرعی، اعم از خمس، زکات، نذر و یا هدایای شیعیان و تحویل آنها به امامان شیعه و مصرف آنها در مواردی همچون: مصرف بر ضد حاکمیت عباسی، و رفع نیازهای اقتصادی امامان (ع) و شیعیان نیازمند. (جباری محمد رضا و محمد کاظم ملبویی، ۱۳۸۹: ۹۳). یکی از مهم‌ترین نقش‌ها و وظایف تشکیلات وکالت، ایجاد ارتباط بین امام و شیعیان بود و تعلیم معارف اهل‌بیت به شیعیان و ارشاد آنان به حق، در عصر حیرت و بروز تردیدها و شبهات بود. البته همه وکلا از جهت علمی و معرفتی در یک سطح نبودند. وکلا و کارگزاران امام (ع) علاوه بر جمع‌آوری اموال و وجوه شرعی، مکاتبات و نامه‌های حاوی سؤالات و بیان مشکلات را از شیعیان دریافت می‌کردند، به خدمت امام می‌رساندند. (اکبری مقدم، ۱۳۹۳: ۶۵)

۲- نقش ارتباطی، علمی و سیاسی نهاد وکالت

وکلا به عنوان رابطین امام در شهرهای مختلف به پرسش‌های شرعی، کلامی و اعتقادی مردم پاسخ می‌دادند مکاتبات و نامه‌ها را به محضر امام می‌رساندند و پاسخ‌های شفاهی را دریافت می‌کردند (پور سید آقایی و دیگران، ۱۳۸۳: ۴۴). با چنین کارکردی امام حسن عسگری (ع)، نمایندگان مورد اعتمادی را منصوب کرد تا، رابطه میان آن حضرت و مردم برای حل مشکلات دینی و دنیوی شیعیان باشند. یکی دیگر از نقش‌های مهم سازمان وکالت نقش تبلیغی و ارشادی ایشان است، به‌ویژه در جریان انتقال امامت به امام بعدی در واقع اعضای سازمان وکالت همچون مبلغان توانا تعلیم و معارف اهل‌بیت عصمت و طهارت (ع) را به اقصی نقاط جهان انتقال می‌دادند. امامان (ع) شیعیان را برای شناخت حق، به وکیلان سرشناس خود ارجاع می‌دادند. وکلا و نایبان چهارگانه عصر غیبت در مسائل اعتقادی، به ارشاد و راهنمایی

شیعیان می‌پرداختند و در مواردی سخن آنها به‌عنوان سخن و بیان ائمه (ع) عقیده حق را از باطل جدا کرده است. با این موضع‌گیری، شیعیان و پیروان اهل‌بیت نیز در این موضوع به همین عقیده گرایش یافتند. نایبان خاص بر اساس دستورات و تعلیمات امام عصر (علیه‌السلام)، در قالب تجارت و مانند آن با روش تقیه سعی می‌کردند تا مردم را از انحرافات دور نگه‌دارند؛ چنان که عثمان بن سعید در قالب روغن‌فروشی، اموال را به امام می‌رسانید و تعلیمات امام را در بین شیعیان ترویج می‌نمود. هر چند همه مردم به سبب سیاست تقیه، شخص سفیر را نمی‌شناختند، اما شیعیان مخلص و امین با او آشنایی داشتند. از این رو، دیگران با چند واسطه مشمول راهنمایی سفیران قرار می‌گرفتند. این مجموعه علاوه بر فعالیت اقتصادی و ارتباطی بین مردم و امامان وظیفه روشنگری، بصیرت‌افزایی و مبارزاتی نیز برعهده داشتند. در واقع در بازه زمانی که امامان در حبس و حصر قرار داشتند علم مبارزه سیاسی و اجتماعی به‌نوعی برعهده وکلا نهاده شده بود. در واقع اقدامات امنیتی وکلا موجب شده بود شیعیان ضمن داشتن ارتباط با ناحیه مقدسه از محدوده نظر جاسوسان حکومتی به‌دور باشند. بنابر این، می‌توان گفت که امامان علیهم‌السلام با تأسیس و توسعه نظام وکالت رفته رفته به جامعه شیعه آموختند که در طی دوران غیبت کبرا چگونه باید هویت خود را حفظ کنند؛ از چه شبکه‌هایی مشکلات سیاسی، اجتماعی، فکری خود را حل نمایند و جنبه مالی نظام امت و امامت را همچنان به پیش برند.

۳- گسترده کردن حوزه جغرافیایی شیعه و توجه به نیازهای اقتصادی و علمی شیعیان:

یکی از بزرگ‌ترین کارکردهای نهاد وکالت در طول دوران حیات پرنمر، پوشش علمی- فرهنگی و اقتصادی به اقصی نقاط عالم اسلام بود. اقامت بیست ساله امام هادی (ع) و شش ساله امام عسکری (ع) در سامرا در حقیقت زندانی شدن رهبری نهاد بود، دستگاه عباسی فعالیت و آمد و شد بیت امامان را زیر ذره بین گرفته‌بود، اما آن دو امام معصوم به‌کمک یاران فداکارشان به حفظ و بسط این نهاد مقدس همت گماردند، در نتیجه مناطق بیشتری زیر چتر نهاد درآمد. برخی از شیعیان به‌صورت مستقیم یا غیر مستقیم، از امام کمک مالی در خواست می‌کردند و امام نیز نیازهای آنان را بر آورده می‌نمود؛ برای برخی جامعه یا کمک‌های دیگر می‌فرستاد و برای برخی دیگر کفن و حنوط تهیه می‌کرد. از دیگر نقش‌های نایبان امام، رسیدگی به مشکلات علمی بود که به‌صورت توضیح و بیان مسائل علمی شیعیان یا بر ضد شبهه‌هایی که از سوی مخالفان ائمه می‌شد، شیعیان را در دفاع از حق یاری می‌کردند. برای نمونه، می‌توان به مناظره حسین بن روح با برخی از متکلمان درباره برتری حضرت زهرا (علیها‌السلام) بر دیگر دختران پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم).

پایان کار سازمان وکالت:

با درگذشت سفیر چهارم و صدور توقیع از سوی ناحیه‌ی مقدسه خطاب به وی - چند روز پیش از وفاتش - او موظف شد که دیگر برای به دست‌گیری جریان سفارت و نیابت، جانشینی برنگزیند و در همان توقیع، پایان دوران غیبت صغری و آغاز دوران غیبت کبرا (غیبت تامّه) اعلام گردید. با پایان یافتن دوران غیبت صغری و با درگذشت آخرین

رهبر شبکه‌ی وکالت و نیابت (سفیر چهارم)، دوران فعالیت سازمان وکالت پس از دو قرن تلاش به پایان رسید و «سازمان فقاقت» در طول دوران غیبت کبرا، ادامه دهنده‌ی راه سازمان وکالت تا عصر حاضر گشت.

چالش‌های جدی که شیعیان در عصر غیبت با آن‌ها روبه‌رو هستند چیست؟

شیعیان تا قبل از آغاز دوره غیبت به امام معصوم دسترسی مستقیم داشتند و در مسائل و مشکلات به ایشان مراجعه می‌کردند. با آغاز غیبت جامعه شیعیان دچار بحران گردید. شاید بتوان گفت چون دوران غیبت طولانی شده در نتیجه فاصله با امام زیاد شده و این، مهم‌ترین چالش شیعیان در عصر غیبت است. مردم در جامعه امروز دچار حیرت و سرگردانی شده‌اند و بحران بی‌هویتی در جامعه ایجاد شده‌است. یکی دیگر از مهم‌ترین چالش‌های شیعیان این است که جامعه شیعه دچار فتنه‌انگیزی شده و اگر مدت زمان غیبت امام‌زمان (عج) طولانی‌تر شود با مشکلات و چالش‌های جدی‌تری روبه‌رو می‌شویم.

این آسیب‌ها و عوامل مشکل‌زا در عصر غیبت، عبارت است از:

۱- گمراهی و ضلالت؛ یعنی در این دوران، عده‌ای از مردم از مسیر حق برگشته، دچار انحراف و گمراهی می‌شوند و از هدایت‌های الهی باز می‌مانند.

۲- قساوت و تیره شدن دل‌ها؛ «به‌جهت طولانی شدن غیبتش، دل‌ها سخت و تیره می‌شود و جز آن‌ها که خداوند ایمان به او را در قلوب‌شان نشانده و به دم الهی یاریشان کرده است، کسی دیگر بر اعتقاد او باقی نماند.»

۳- انحراف و برگشت از دین؛ یکی از ابتلائات و آسیب‌های دوران غیبت، برگشت عده‌ای از آیین الهی و ضعف و سستی در دینداری و یگانه‌پرستی است.

۴- دشواری حفظ ایمان؛ شدت‌ها و پیشامدهای ناگوار و تحولاتی که روی می‌دهد، مردم را زیر و رو کرده و حفظ ایمان و استقامت در این راه را دشوار می‌سازد و ایمان افراد در مخاطرات سخت واقع می‌شود

۵- کمبودها و نارسایی‌های زندگی؛ یکی از امتحانات مردم در عصر غیبت و ابتلائات شدید آنان، گرانی، کساد، مرگ‌ومیر، جنگ‌ها، کمی محصولات کشاورزی، دچار شدن به پادشاهان ستمگر و... است.

۶- اختلاف و تبری از همدیگر؛ یکی از آسیب‌های فراروی جوامع اسلامی در این دوران، وجود اختلافات و کشمکش‌ها و پراکندگی و دوری مردم از همدیگر است.

نتیجه‌گیری:

مقاله حاضر تلاشی در جهت بررسی یکی از موضوع‌های مهم تاریخی در دوره‌ای حیاتی از تاریخ اسلام بود که با رهیافت اجتماعی-فرهنگی سازمان وکالت در عصر ائمه (ع) را بررسی نمود. یکی از مهم‌ترین رخداد‌های مهم در دوره امامت امامان شیعه شکل‌گیری سازمان وکالت بوده است با دقت در حیطه سازمان سری «وکلا» به این مطلب می‌توان اشاره

کرد که این تشکیلات تنها برای تأمین اهداف و مقاصد سیاسی پایه‌گذاری نشد، و این موضوع مهمی است که این شبکه سری را از شبکه‌های سری مشابه همچون «شبکه دعوت عباسیان» متمایز و برتر می‌سازد؛ وجه تمایز و برتری سازمان وکلای امامیه در اهداف بالا و چندگانه آن روشن می‌شود، که شامل بخش‌هایی همچون اهداف سیاسی، اهداف فرهنگی، اجتماعی (پاسخ‌گویی به مسائل فقهی و عقیدتی توسط وکلا) و همچنین اهداف اقتصادی و مالی بوده است. در واقع امامان شیعه با طراحی این شبکه در دوران سرکوب و خفقان سیاسی و اجتماعی تلاش کردند اعتقادات شیعه را به‌درستی در بین شیعیان زنده نگه‌دارند و پایه‌های عقیدتی و فکری آن را در بین محبان خود بیش از پیش مستحکم کنند. سازمان وکالت با اهداف چندگانه سیاسی-اعتقادی، از جمله: هدایت سیاسی شیعیان و تحکیم پایه‌های اعتقادی پیروان تلاش می‌نمود؛ زیرا در مکتب امامیه، دست یابی به حکومت فرع و ترویج مفاهیم شیعه وصل بود؛ از سوی اهداف مهمی که به آنان معتقد بودند مقابله با حاکمان و اعتقاد به حق علویان بود که البته در این زمینه چارچوب اهداف سیاسی-اعتقادی خود را دنبال می‌کردند. سازمان وکالت معتقد به اصولی تقیه، فعالیت مخفیانه نظم و تربیت در امور و اطاعت محض از امام بودند بنابراین سازمان منظم وکالت با نقش محوری امام در قالب اهداف و اصول سازمانی تأثیر زیادی در پیشرفت تدریجی اهداف خود ایفا نمودند بنا به مقتضیات زمان تا حدود زیادی پاسخ‌گو نیازهای معتقدان به خود بودند.

منابع و مأخذ:

- ۱-دشتی، محمد، فرهنگ جهاد، نقش سیاسی سازمان وکالت در عصر حضور ائمه علیهم‌السلام، شماره ۴۰، تابستان ۱۳۸۴ ش.
- ۲-کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: دارالکتب السلامیه، ۱۳۸۸ ق
- ۳-جباری، محمد رضا، سازمان وکالت و نقش آن در عصر ائمه (ع)، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۲
- ۴-مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الانوار، بیروت، مؤسسه الوفا، ۱۴۰۴
- ۵-پیشوایی، مهدی، سیره پیشوایان، قم: مؤسسه امام صادق (ع)، ۱۳۷۹
- ۶-طوسی، محمد بن حسن، الغیبه، قم: المؤسسة المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۷
۷. طوسی، محمد بن حسن، الغیبهف ترجمه: مجتبی عزیزی، قم، انتشارات مسجد مقدس جمکران، چاپ دوم، ۱۳۸۷ ش.
- ۸-کشی، ابوعمرو محمد بن عمر بن عبدالعزیز، اختیار معرفه الرجال، تصحیح: حسن مصطفوی، مشهد، بی‌نا، ۱۳۴۸ ش.
- ۹-مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین بن علی مسعودی، اثبات الوصیه، قم، مکتبه بصیرتی، ۱۹۵۵ م.

- ۱۰- حسین، جاسم، تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم، ترجمه: سید محمدتقی آیت الله، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۷ ش.
- ۱۱- لطیفی، رحیم، پرسمان نیابت و وکالت امامان معصوم (ع)، قم مؤسسه بنیاد فرهنگی مهدی موعود (عج)، ۱۳۹۲.
- ۱۲- پور سید آقایی، مسعود؛ منذر حکیم، محمد رضا جباری و حسن عاشوری، تاریخ عصر غیبت نگاهی به عصر غیبت امام دوازدهم (عج)، قم: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی حضور. ۱۳۸۳
- ۱۳- جباری محمد رضا و محمد کاظم ملبوبی، بررسی تطبیقی سازمان وکالت امامیه و سازمان دعوت عباسیان (ساختار تشکیلاتی و وظایف سازمانی)، فصلنامه علمی پژوهشی شیعه شناسی، سال دهم، شماره سی و هفت، ۱۳۹۳
- ۱۴- اکبری مقدم، لاله، «ساختار سازمان وکالت در عصر امام هادی و کارکردهای آن»، فصلنامه علمی تخصصی فرهنگ پژوهش، شماره نوزده، ۱۳۹۳.